

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سلسله مباحث متفرقه ۱



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين، والعاقبه للمتقين،  
ولاعداوان الا على الظالمين، والصلاه والسلام  
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين و  
على آله و صحبه اجمعين.

پیش از هر چیز باید به تعریف نکاح مسیار و ماهیت آن پرداخت

«مسیار» کلمه ای معجمی و لغت نامه ای نیست؛ شاید عبارت از سیر و حرکت و عبور گرفته شده، و اصطلاحی عامیانه است که در کشورهای حاشیه خلیج و عربستان بین مردم مروج است.

وعموما از این گرفته که فرد در یکی از شهرهای مسیر گردش و ترددش برای تجارت یا کسب علم با خانمی ازدواج می کند که در زمان تحصیل و یا هنگام آمدن برای تجارت و بازرگانی پیش خانم خودش جا خوش کند و از حرام هم نجات پیدا کند او را به طور دایم نکاح می کند. و یا خانمهایی هستند که مشکل مادی و مسکن و نفقه ندارند ولی چون بیوه شده اند کسی آنان را ازدواج نمی کند اینان از حق نفقه و مسکن و قسم شبانه (نوبت شبگذاری) خود صرفنظر می کنند و به اختیار شوهر می گذارند هر وقت برای او میسر شد به او سر بزنند و این ازدواج تمام شرایط و ارکان عقد نکاح شرعی را دارد، از قبیل: گواه، تعیین مهریه، و ثبوت نسب برای فرزندان از زن و مرد.

البته با هم به توافق می رسند که در خانه والدین خود بماند و تقاضای مسکن و نفقه و قسم را از شوهر ننماید.

غالباً از ناداری است یا از اینکه زندگی شان با همسر اول دچار مشکل و فروپاشی و تنش نشود یا اینکه همسر اول خود را زیاد دوست دارد و نمی خواهد اثرات روانی نکاح دایم دوم او را ناراحت نماید و در کابوس فرو ببرد. این عقد را از چشم او و خانواده همسرش پنهان می کنند، ولی در عین حال این عقد علناً با حضور گواهان با رضایت کامل زوجین و حضور ولی زن و الفاظی که بر دوام نکاح دلالت کند انجام می گیرد.

## آیا این نکاح همان نکاح موقت و موقت که در اهل تشیع مروج می باشد، نیست؟

خیر! این نکاح هیچ ربطی به نکاح موقت و موقت ندارد؛ زیرا در نکاح موقت یا متعه، ذکر مدت به پایان رسیدن عقد نکاح در صلب و متن عقد داخل است به این صورت که گفته می شود: «**متعینی بنفسک الی مدۀ کذا بکذا من المهر**».

لفظ «**متعینی**» بجای «**زوجتک و نکحتک**» با ذکر نهایت مدت عقد همراه است که این دو مسئله این عقد را از نکاح دایم ممتاز می کند.

و عموماً ازدواج متعه، ازدواج موقتی است که اجرت آن بر اساس مدت زمان نکاح کم و زیاد می شود. اجرت متعه یک روز، با یک هفته و یک ماه و یک سال متفاوت است.

ازدواج موقت خود بخود بعد از اتمام مدت تعیین شده به پایان می رسد، و دیگر نیازی به طلاق و یا فسخ و خلع

ندارد، و مدت در صلب عقد داخل و غیر قابل انفکاک است.

### ویژگیهای متعه

خداوند متعال در قرآن مجید اسباب حلّت وطی واستمتاع از زنان را در دو چیز منحصر کرده است:

۱- نکاح صحیح و داریم. ۲- ملک یمین.  
و آیه این است: ﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ (سوره مؤمنین: ۶)

در ضمن افرادی راکه از این دو راه تخطی نمایند تهدید کرده و آنان را متجاوز از حدود الله نامیده است:

﴿فَمَنْ أَتَتْهُنَّ وَأَزَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ اللَّعَادُونَ﴾ (سوره مؤمنین: ۷)

« پس کسی که غیر از این دو راه را تلاش کند پس آنان همان متجاوزانند.»

زنی که از طریق متعه و موقت به ازدواج در می آید نمی توان شرعا به او عنوان و لقب «زوجه شرعی» داد. زیرا میراث، عدت، طلاق، نفقه و کسوت هیچکدام را ندارد و بجای مهر برای او اجرت در نظر گرفته می شود از این بابت که مبلغ آن نسبت به کوتاه بودن و طولانی بودن مدت استمتاع متفاوت است و این همان خاصیت اجرت در مقابل زمان است. اما زوجه بسیار شرعاً به لقب زوجه شرعی مفتخر است و مهر، میراث عدت و طلاق هم دارد. زن متعه ملک یمین هم نیست، وگرنه بیع و هبه و اعتاق او جایز می بود.

عقد متعه و موقت جایز نیست، زیرا اگر جایز می بود خداوند در قرآن کریم برای افرادی که توانایی مالی ازدواج داریم را ندارند متعه را تجویز می فرمود؛ ولی نه اینکه متعه را برای این دسته از افراد تعیین و تجویز نفرمودند، بلکه امر به استعفاف و خویشنداری تا زمان توانگری و قدرت بر ازدواج داده است.

«وليستعفف الذين لا يجدون نكاحا حتى يغنيهم الله من فضله»

« و باید عفت خود را بیابند کسانی نمی یابند که نکاحی شرعی بکنند تا زمانی که الله آنان را از فضل خویش توانگر نماید تا نکاح کنند.»

این نکته حایز اهمیت است که اگر متعه جایز می بود چرا خداوند امر به استعفاف می نماید.

اما ازدواج میسار، ازدواجی دائم و مطلق، بدون ذکر مدت است و خود به خود پایان نمی یابد جز با طلاق یا خلع یا فسخ قاضی یا تفویض طلاق به همسر بعد از انعقاد عقد نکاح.

زنی که از طریق نکاح متعه و موقت به ازدواج در می آید جز آن چهار خانم که نکاح آن جایز است نیست، بلکه فرد می تواند بیش از ۲۰ زن متعه ای داشته باشد. اما زنان بسیار با زنان نکاح شده ی دائم جمعا نباید بیش از چهار تا باشند. پس این نکاح هیچ تناسبی و ربطی و سنخیتی با نکاح متعه و موقت ندارد آنگونه که در سایت خبری وتحلیلی بازتاب آمده است، نسبت دادن حلت جواز نکاح متعه و موقت به علمای اهل سنت نادرست است. و

هیچگاه علمای اهل سنت نکاح متعه و موقتاً جایز ندانسته و نخواهند دانست چون نص صریح وجود دارد و محل اجتهاد نیست.

و در نکاح موقت و متعه فرزندان از داشتن یک شناسنامه محروم اند، اما اینجا این عقد دائم است البته با صرفنظر کردن همسر از حق نفقه و مسکن و قسم در شب گذاری و اینکه همسر از حقوق خود صرفنظر می کند هیچ عیبی در آن نیست. زیرا حضرت ام المؤمنین سوده رضی الله عنها حق خود را به نفع ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها بر رسول الله صلی الله علیه وسلم بخشید و از حق خود صرفنظر کرد. و اگر این امر جایز نمی بود هرگز رسول الله صلی الله علیه وسلم با آن موافقت نمی کردند.

چنانکه در بعضی از مذاهب اهل سنت این مسئله آمده، که فرد می تواند خانمی ازدواج کند و شرط کند که من فقط روزها نزد شما می آیم و شب ها نه. یا شب ها می آیم و روزها نه.

و انسان در این عصر متغیر و پر از حوادث که زندگی می کند، بعضی از زنان را می یابد که دیگر نیاز به چیزی ندارند فقط به یک همسر نیازمند هستند تا غریزه جنسی آنان را اشباع نماید و از حق خود از قبیل نفقه و مسکن صرف نظر کرده و به همان اندک حق خود بسنده می کنند تا کسی پیدا شود عفت آنان را حفاظت کرده و از سقوط در ورطه ی هرزگی برهاند.

این گونه زنان واقعا زنان عاقلی هستند که به خاطر مال و متاع حقیر و پست و بی ارزش دنیوی آرامش زندگی خود را در کنار یک همسر از دست نمی دهند.

### اثرات و تبعات روانی این ازدواج بر همسر اول

اما آنچه مسلم است نه تنها این ازدواج بلکه ازدواج دوم که بصورت علنی و آشکار هم انجام می گیرد بر همسر اول فشار روحی و روانی زیادی وارد می کند. حتی بعضی خانمها معتقدند که جنازه ی ما بیفتد بعد اجازه ی نکاح دوم را می دهیم. و مرد دچار هرج و مرج و آشوب خانوادگی می شود.

در نتیجه از بس که همسر اول خود را دوست دارد سعی می کند این ازدواج را دور از چشم خانم اول خود صورت دهد تا ضربه روحی و روانی بر او وارد نکند ولی در جامعه ما چنان تبلیغات سوء علیه تعدد زوجات صورت گرفته است که با تعدد زوجات با شدت وحدت تمام مبارزه کرده و تهاجم فرهنگی غرب و نفوذ آن در جوامع اسلامی چنان رشد کرده که بعضی (لا قدر الله) نسبت به تعدد معشوقه اصلا واکنش نشان نمی دهند که کار حرامی است اما نسبت به تعدد زوجات با دیدی نگاه می کنند که گویا یک پدیده ی زشت مخالف با حقوق زنان است. و اسلام را بخاطر تثبیت عفت و طهارت زنان متهم به نابرابری و حق کشی زنان می نمایند.

پنهان داشتن عقد نکاح بعد از اینکه با تمام شرایط و ارکان و شهود علنی منعقد شده هیچ تاثیری بر صحت عقد ایجاد نمی کند، چون اولاً تمام شرایط و ارکان شرعی صورت

پذیرفته حال بعدها کوشش می شود که کسی از خانواده های نزدیک او با خبر نشود این عمر باعث بطلان عقد نمی شود البته این عقد در دفاتر ثبت ازدواج به ثبت می رسد یا اینکه سند عرفی بر آن نوشته می شود که در بر دارنده عقد و ذکر مهر و شهود نکاح می باشد.

### فرق بین جایز شرعی و بین شایسته ی اجتماعی:

یک چیز در عین حال که شرعا جایز است لازم نیست که از لحاظ عرفی و اجتماعی هم در آن قبح و عیب و ایرادی نداشته باشد چه بسا مسایل جایز شرعی وجود دارند که عرفا مردم آن را نمی پسندند و خلاف شان می دانند و این ازدواج هم دقیقا این گونه است که از نظر شرعی جایز است و از نظر عرف خلاف شان بوده و کراهت دارد.

مثل اینکه یک خانم محترمه و ارجمند با راننده ی ماشین خود یا با خدمتگذار خود یا یک آقای متحرم با خادمه و کلفت خود ازدواج نماید ازدواجش جایز ولی خلاف شان او بوده و در عرف زبیده نیست. و باعث کسر شأن و ارزش و جایگاه اجتماعی او می شود ولی ما نمی توانیم این ازدواج را حرام و یا باطل قلمداد کنیم.

اما اولاد و ثمرات این ازدواج حکم همان اولاد نکاح دائم را دارند و از حیث داشتن شناسنامه و انتساب به پدر و مادر خود هیچ مشکلی ندارند بر عکس در نکاح متعه و موقت که پدر از تهیه شناسنامه برای فرزندان ناشی از متعه و موقت فرار میکند.

البته ما هیچگاه افراد را به این ازدواج (ازدواج مسیاری) تشویق نمی کنیم ولی اگر کسی انجام داد شرعا با کراهت جایز است.

زیرا نکاح باید چنان علنی باشد که برای همگان مشهور باشد تا فردا اگر کسی او را با این خانم ببیند متهم به روابط نامشروع نشود زیرا در حدیث آمده نکاح را علنی کرده و آنرا در مساجد انجام دهید تا از چشم مردم پنهان نماند و همگان از آن اطلاع داشته باشند. از این بابت هر چند که با حضور گواهان و ولی زن انجام می گیرد ولی مثل سایر عقود نکاح زیاد علنی نمی شود تا دوست و دشمن از آن باخبر شوند. می گوییم کراهت دارد.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله  
وصحبه أجمعین.  
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.